

گزارشی از صحن شورای شهر تهران

## معتادان متجاهر

## به «بهشت» رسیدند

شرق: ۲۵ آذر سال ۱۴۰۰ بود. شهردار تهران در نشست نخبان منطقه ۱۷ اعلام کرد ظرف دو ماه آینده دیگر معتادان متجاهر را در تهران نخواهیم دید. نزدیک به دو سال از این وعده گذشته است و حالا اعضای شورای شهر تهران در صحن علنی از تجربه‌های هرووزه خود از برخورد با معتادان متجاهر در سطح شهر سخن می‌گویند.

صفحه ۱۰

### سرمقاله

## خیابان یک‌طرفه مجلس



**کامبیز نوروزی**

**حقوق دان**

در هفته‌های اخیر مجلس شورای اسلامی دو مصوبه مهم داشت که هر دو مورد انتقادات و ایرادهای فراوان و متعدد کارشناسی قرار گرفتند. یکی از اینها لایحه موسوم به حجاب و عفاف است و دیگری ماده ۴ قانون برنامه هفتم توسعه که نافی استقلال کانون وکلای دادگستری و سازمان‌هایی مانند نظام پزشکی و نظام مهندسی و چندتای دیگر و بیش از چهار هزار نهاد مدنی دیگر است.

در هر دو مورد اشخاص و نهادهای بزرگ کارشناسی و مدنی فعالانه مشارکت کردند و نقض‌ها و ایرادهای متعدد این دو مصوبه را به رشته نقد کشیدند. بحث‌های بسیار شد؛ اما مجلس کار خودش را کرد، بدون آنکه کمترین و کوچک‌ترین اعتنایی کند به آنچه در سطح جامعه و عرصه عمومی مطرح شد.

در اینکه نمایندگی مجلس موجب اختیاراتی برای نماینده می‌شود، بحثی نیست؛ ولی وزن و اعتبار علمی کسانی که درباره دو مصوبه فوق نظر داده‌اند و نگرانی و تعهد آنها نسبت به کشور و مردم بی‌شک کمتر نیست، از آنهایی که مبدع و تصویب‌کننده این نوع قوانین‌اند و شاید بیشتر هم باشد؛ اما اهالی مجلس تن به گفت‌وگو ندادند و بی‌هیچ تغییر و اصلاحی در دو لایحه فوق کار خودشان را کردند.

گمان نمی‌برم کسی دچار آن مقدار کبر و تیختر باشد که ادعا کند همه آن نظرات کارشناسی که در نقد این دو مصوبه منتشر شدند، از بیخ غلط بودند و هیچ نکته و نقد درستی که در آن لویاح اثر بگذارد، در آنها نبوده است. این هم نیست که کسی بتواند مدعی شود همه نویسندگان و گویندگان این نقدها فاقد حسن نیت بودند و آن چیزهایی که گفته و نوشته‌اند، از سر بغض و کین و سوءنظر بوده است. اهالی مجلس هم چنین ادعاهایی نکرده‌اند.

پس چرا مجلس، چه آن کمیسیون ۱۰نفره که لایحه حجاب و عفاف را تصویب کردند و چه آنها که ماده ۴ قانون برنامه هفتم را از تصویب گذراندند، تا این اندازه نقد و نظرها را کنار گذاشتند و نادیده گرفتند و آنچه را که خواستند، انجام دادند.

پاسخ این پرسش جایی بیرون از قلمروهای کارشناسی حقوق و جامعه‌شناسی و مانند اینهاست. در دو مصوبه‌ای که اشاره شد، مجلس اصولا از منظر کارشناسی به موضوعات نگاه نکرده است که بخواهد به موازین و معیارهای کارشناسی اهمیتی بدهد و آنها را در بررسی و تصمیم خود اثر دهد. اگر پایه کار مجلس در این دو لایحه معیارهای کارشناسی بود، قطعاً چنین بی‌اعتنایی کم‌سابقه‌ای نمی‌کرد به این همه نظرات کارشناسان، که به طور گسترده در رسانه‌ها و مجامع تخصصی مطرح شده‌اند. آنها نگاهی مطلقا سیاسی به این موضوعات داشته‌اند و صرفا در پی آن بوده‌اند که سیاست خود را پیش ببرند.

تا اینجا کار باز هم بحث زیادی نیست. برخلاف تصور غالب، قانون‌گذاری ماهیتی سیاسی دارد. هر جریانی که در پارلمان حانز اکثریت باشد، می‌تواند سیاست خود را از طریق وضع قوانین مورد علاقه پیش ببرد. همیشه در هر موضوعی موافق و مخالفی وجود دارد.

مشکل از آنجا شروع می‌شود که اولاً قانون از هر میزان کارشناسی تهی باشد، ثانیاً مداخله امر سیاسی تا جایی گسترش یابد که نظرات گروه‌های بزرگ اجتماعی یا صنفی به طور کلی کنار گذاشته شود. در چنین مواردی لاجرم قانون به مقابله با دو نهاد بسیار مهم برمی‌خیزد. یکی منافع مشروع گروه‌های اجتماعی و دیگری موازین و معیارهای کارشناسی. نتیجه‌اش وضع قوانینی می‌شود که هم از حمایت گروه‌های اجتماعی بی‌بهره است و هم به دلیل رعایت‌نکردن معیار و میزان کارشناسی از واقعیت‌های جامعه و مصالح عمومی بسیار دور است. این نوع قوانین که در ایران فراوان بوده‌اند، به جای آنکه به انتظام امور و پیشرفت جامعه کمک کنند، بیشتر باعث اختلال نظم و توسعه تضادها و درگیری‌های داخل جامعه می‌شوند و اوضاع را خراب‌تر می‌کنند.

شیوه‌ای که مجلس در تصویب قانون عفاف و حجاب و تصویب ماده ۴ قانون برنامه پیش گرفت، مصداق بارز همین روش غیراصولی و ناصحیح است. مجلس خود را به خیابانی یک‌طرفه تبدیل کرده است که در ابتدای آن برای هر نظر و دیدگاه متفاوت کارشناسی و اجتماعی تابلوی ورود ممنوع نصب شده است. مجلس نهادهی است برای اعمال حاکمیت ملی، نه اجرای سلیقه‌ها و منویات شخصی نمایندگان. این مشکل زمانی سخت‌تر و خطرناک‌تر می‌شود که به بهانه اختیار قانون‌گذاری و بدون اعتنا به نظرات کارشناسی و حرفه‌ای و مصالح عمومی، قوانینی وضع کنند؛ مانند دو قانون مورد بحث که با حقوق اساسی ملت از قبیل حق آزادی‌های مشروع، حق آزادی تشکل‌ها، حق آزادی بیان، حق دادرسی عادلانه، حق دفاع و… در تضاد و تعارض باشد.
ملی را به قرارگرفتن در خیابان یک‌طرفه نمی‌توان حق حاکمیت ملی را به اجرا گذاشت.



چهارشنبه ۸ شهریور ۱۴۰۲ • ۱۳ صفر ۱۴۴۵ • ۳۰ آگوست ۲۰۲۳ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۶۳۸ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰۰ تومان

حسن روحانی در جلسه باوزیران و معاونان رئیس‌جمهور در دولت‌های یازدهم و دوازدهم:

## فرب‌های آماری بسیار شایع شده

حجت‌الاسلام حسن روحانی در جلسه دوره‌ای خود با وزیران و معاونان رئیس‌جمهور در دولت‌های یازدهم و دوازدهم که روز دوشنبه ۶ شهریورماه برگزار شد، با تسلیت ایام اربعین حسینی اظهار کرد: هدف از قیام و پیام شهادت امام حسین(ع)، آگاهی و هدایت مردم بود، همچنان که پیامبر اکرم(ص) هم برای آگاهی و هدایت مردم مبعوث شد.

صفحه ۳

**در «شرق» امروز می‌خوانید:**
نئولیبرالیسم کودتاگرای استبدادخواه، برجام بی‌سرانجام، بسکتبال ایران – اسپانیا؛ چگونه بیازیم؟ و **یادداشت‌هایی از اردوان امیراصلانی، ابراهیم ایوبی**

تعلیق حکم زندان نخست‌وزیر سابق پاکستان

# روزنه امید

# برای عمران خان

۵ برسیولیس بیش از هر زمان دیگری در جست‌وجوی مهاجم

# شهاب بی‌رمق

۹ گزارش «شرق» از ماجرای ضرب‌وشتم ۲ خبرنگار در حاشیه مسابقات قهرمانی آسیا

# جای کبودی‌ها هنوز

# بر بدنم مانده…

۱۰

### پرونده

با تصویب ۲ مقرره در مجلس، نگرانی جامعه حقوقی درباره احتمال خدشه بر حق دفاع ملت افزون‌تر شد

## پایان استقلال وکیل

## یا پاسداری از قانون اساسی!

با نوشتاری از: سیدمحمود کاشانی، مرتضی شهبازی‌نیا سهیل نظری، عبدالله رجیبی، هوشنگ پوریاپایی، سیدعباس موسوی، حسن محسنی، رضا نامجو، شکوفه شکری، سعیدبرک چپن

۶

### یادداشت

## قانون، دروازه بهشت



**کورش الماسی**

آنچه از مفاهیم بهشت و دوزخ آموخته‌ایم این است که ساکنان بهشت زیستی آرام، امن و با رفاه دارند و ساکنان دوزخ زیستی همراه با عذاب و رنج بی‌پایان و ابدی را تجربه می‌کنند. در آموزه‌های (ادیان) گوناگون وعده وجود آرامش، امنیت، رفاه، آسایش، زیبایی، شادی، اخلاق، عدم خشونت و… در بهشت به انسان‌ها داده شده است. دور از واقعیت نیست اگر گفته شود که همه این وعده‌ها در کشورهایی که «حاکمیت قانون و نه اراده برخی افراد یا یک اقلیت» مستقر شده، «به‌طور نسبی» محقق شده است. با توجه به انواع چالش‌های اجتماعی و ملی که نته‌تها زیست بسیار دشواری را برای شهروندان ایران‌زمین رقم زده، بلکه روندی ناامیدکننده و بدون چشم‌انداز را طی می‌کنند. لازم و ضروری است تا پرسش شود شهروندان ایران چگونه می‌توانند از دست این همه چالش بی‌مبنا و توجیه‌ناپذیر رها شوند؟

انواع چالش‌های اجتماعی و ملی در عرصه‌های گوناگون به ویژه معیشتی که روح و روان شهروندان را بسیار افسرده و آشفته کرده است، و به تعبیری، زیست مدنی را از آنچه عقلانی و قابل فهم است، پیوسته دور می‌کند. «یقیناً، بازگشت و توسل به خرد جمعی تنها و کم‌هزینه‌ترین مسیر بیرون‌رفت از شرایط کنونی است. در این موج تلاش می‌شود به راهگشایودن یکی از تولیدات «خرد جمعی، یعنی قوانین جمعی اجتماعی» « برخلاف قوانین مبتنی بر اراده یک اقلیت، اشاراتی کلی و مختصر شود.

قوانین اجتماعی پدیده‌های ذهنی برآیند درک و تشخیص انسان‌ها از محیط زیست بسیار خشن، ناامن و خوف‌انگیز طبیعی است. هر فردی که دارای ذهنی سالم، رها از اندیشه‌ها و آشفتنگی‌های تاریخی (متافیزیکی)، صادق و میهن‌دوست باشد، به سهولت می‌تواند در تصورات خود زیست طبیعی خارج از مرزهای مدنیت را بازتولید کند. کاملاً کاربردی و عینی خواهد بود اگر بگوییم زیست خارج از مدنیت (فقدان قوانین جمعی) همان دوزخی است که قرن‌هاست درباره آن برای انسان‌ها (شهروندان) سخن گفته‌اند. و اینکه زیست اجتماعی مبتنی بر «قوانین جمعی» اجتماعی مصداق آن جهان رؤیایی (بهشت) است که در آن امنیت، رفاه و آرامش وجود دارد، چراکه خردمندانه‌ترین و پایدارترین منشأ امنیت، آرامش و رفاه اجتماعی، وجود قوانین اجتماعی (قانون اساسی) مبتنی بر خرد و منافع جمعی یا به بیانی دیگر، حاکمیت قانون است. «مدنیت پایدار و توسعه‌یافته بدون مدیریت کلان مبتنی بر قوانین اجتماعی برآمده از فهم چیستی، اهمیت و ضرورت منافع ملی یک توهم یا یک رؤیاست.»

اگر استدلال فوق عقلانی و قابل فهم تلقی شود، آنکه می‌توان ادعا کرد که بهشت همان زیست مدنی مبتنی بر حاکمیت قانون و دوزخ همان زیست طبیعی (حاکمیت اراده و قوانین محدود کننده اقلیت) است.

ادامه در صفحه ۸

گروسی چند ساعت بعد از سخنان اسلامی، مواضع خود را در قبال فعالیت‌های هسته‌ای ایران قبل از نشست شورای حکام مطرح کرد

# تناقض‌های رافائل

گزارش تیتربک را در صفحه ۳ بخوانید



• عکس: مرتضی نیکوبدل

اصحاب رسانه که همواره دولت را در اطلاع‌رسانی و انعکاس اخبار دولت یاری می‌دهند و بخشی از رسانه‌ها با نقدهای منصفانه به دولت کمک می‌کنند، گفت: ارتباط دولت با اصحاب رسانه را یک ضرورت می‌دانم که همواره برای تبیین نظر دولتمردان برای مردم عزیز و انعکاس نظر مردم به مسئولان فعال هستند. رئیس‌جمهور ارتباط دولت و رسانه را دوسویه توصیف کرد که می‌توانند مردم و مسئولان را با یکدیگر مرتبط کنند، به طوری که دولتمردان بیش از پیش در جریان دغدغه‌ها و مشکلات مردم قرار گیرند. وی در بیان شرایطی که دولت سیزدهم فعالیت خود را آغاز کرد، گفت: دولت کار خود را در دو سال قبل در حالی آغاز کرد که شرایط کشور در وضعیت خاصی بود؛ در آن شرایط کرونایی، اقتصاد با کسری بودجه، شرایط تومی و با کاهش کالاهای اساسی و مسائلی از این دست مواجه بود و برخی صاحب‌نظران و دولتمردان گذشته با تردید می‌گفتند که دولت چگونه می‌خواهد این شرایط را مدیریت کند و پیش بربرد.

### یادداشت

## پیامدهای قطع همکاری با استادان دغدغه‌مند



**محمدرضا یوسفی شیخ‌رباط**

**اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید**

کارکرد اصلی دانشگاه: تولید، انتقال دانش و تربیت نیروی متخصص است. اما دانشگاه در کنار این مسئولیت ذاتی، به رشد و توسعه فرهنگی و تعالی جامعه کمک می‌کند. فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها با ورود به آموزش و پرورش، دستگاه‌های دولتی و غیردولتی، فعالیت‌های اقتصادی، نهادهای مدنی و رسانه‌ها، موجب انتقال و اشاعه اندیشه‌ها و ارزش‌هایی خواهند بود که در دانشگاه فراگرفته‌اند و از این طریق موجب توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور می‌شوند. یکی دیگر از مباحثی که در چند دهه اخیر به طور جدی در دنیا مطرح شده است، انجام مسئولیت اجتماعی استادان دانشگاهی با ورود به عرصه عمومی و انتقال دانش خویش به زبان عموم مردم است. امروزه دانشمندان مطرحی در جهان وجود دارند که با نوشتن یادداشت‌های منظم در مطبوعات به تحلیل آگاهانه مردم کمک کرده و از طریق آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری‌ها به حکومت کمک می‌کنند. در میان اقتصاددانان می‌توان از پل کروگمن برنده نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۸ و رابرت بارو مثال زد. دانشگاه‌هایی از این طریق با رشد تفکر انتقادی، نقد روشمند حکومت و دورکردن مردم از فضای زرد به بلوغ اجتماعی آنان کمک می‌کنند. استادانی که به انجام چنین مسئولیت خطیری اقدام می‌کنند، به جامعه یاد می‌دهند چگونه به یک مسئله نگاه کنند. وجود نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۸ و رابرت بارو مثال زد. دانشگاه‌هایی از این طریق با رشد تفکر انتقادی، نقد روشمند حکومت و دورکردن مردم از فضای زرد به بلوغ اجتماعی آنان کمک می‌کنند. استادانی که به انجام چنین مسئولیت خطیری اقدام می‌کنند، به جامعه یاد می‌دهند چگونه به یک مسئله نگاه کنند. و فارغ از هرگونه رفتار احساسی یا یکدیگر گفت‌وگو کرد. اینان با رشد عقلانیت به جامعه امید تزریق می‌کنند. دانشگاه وقتی می‌تواند رسالت خود را خوب انجام دهد که بهترین‌ها جذب شوند. محیطی امن برای تضارب اندیشه فراهم شود. روابط بین‌المللی با دانشگاه‌های معتبر دنیا برقرار شود. به دیدگاه‌های اسنادان احترام گذاشته شود. انجام مسئولیت اجتماعی یک ارزش محسوب شود. در این شرایط، دانشگاه می‌تواند مرکز نقل تعالی جامعه باشد. به همین دلیل است که انتظار می‌رود با رشد تعداد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، آسیب‌های اجتماعی در آن جامعه کاهش یابد. سیاست‌گذاری‌ها عقلایی‌تر شوند و سطح رفاه در جامعه افزایش یابد. اما چرا در ایران با وجود گسترش مؤسسات آموزش عالی و تعداد استادان و دانشجویان کشور، چنین پیامدهایی مشاهده نمی‌شود. این امر به دلیل مداخلات فراوان حاکمیتی در فرایند جذب هیئت علمی، نظرات‌های گسترده پس از آن، وادارکردن به محافظه‌کاری، هزینه‌برکردن ایفای مسئولیت اجتماعی و ریل‌گذاری غلط برای ارتقا در دانشگاه‌ها، محدودکردن فضای گفت‌وگو و نقد است. در نتیجه با وجود افزایش مقالات آکادمیک، بحران‌های فرهنگی، اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی و سیاسی در حال افزایش بوده و پیچیده‌تر از گذشته می‌شوند.

ادامه در صفحه ۸

شرق: سومین نشست خبری رئیس دولت سیزدهم در سالن اجلاس سران برگزار شد. نشستیی که دو ساعت به طول انجامید و بعد از پایان پرسش و پاسخ‌ها، خبرنگاران ناهار میهمان رئیس‌جمهور بودند. در این نشست خبری بیش از ۲۵۰ خبرنگار، عکاس و تصویربردار داخلی و خارجی به همراه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر اقتصاد، رئیس‌دفتر رئیس‌جمهور، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت و مدیران برخی از رسانه‌ها حضور داشتند و سؤالات مختلفی در حوزه سیاست داخلی، سیاست خارجی، اقتصاد و… پرسیده شد و رئیس‌ی با آرامش همیشگی به سؤالات به روش خود پاسخ داد.

سیدابراهیم رئیسی با عرض تسلیت به مناسبت ایام سوگواری و اربعین حسینی(ع) و قدردانی از

### یادداشت

## آیا اعتراض وکلا از دل‌واپسی برای حقوق مردم است؟



**صالح نقره‌کار**

**وکیل دادگستری**

۱- در هفته جاری سه گزاره از سه مسنول در سه قوه مطرح شد که کنار هم گذاشتن آنها نکات درخورتوجهی دارد:

اول، قوه مقننه، آقای محسن زنگنه (نماینده مجلس): «کانون وکلا تاوان ایستادگی در مقابل مجلس را می‌دهد»، مصاحبه با دنیای اقتصاد. ۵ شهریور ۱۴۰۲؛ و در ادامه جمله معترضه‌ای می‌فرماید که «هیچ‌کس در این کشور باور نمی‌کند که اقدامات وکلا در مقابله با قانون تسهیل، در راستای نگرانی و احقاق حقوق مردم باشد!»

دوم، قوه مجریه آقای امیر سیاح (رئیس مرکز مطالعات و پایش بهبود محیط کسب‌وکار وزارت اقتصاد): «اختیار صدور مجوز از دستگاه‌های خودانتظام گرفته می‌شود؛ چون از اختیارات خود سوءاستفاده کرده‌اند». واحد مرکزی خبر، ۳ شهریور ۱۴۰۲؛ و در ادامه از تلاش‌های مجلس یازدهم برای سلب اختیار صدور پروانه وکالت از کانون‌های وکلا خبر می‌دهد.

سوم، قوه قضائیه، آقای محمد صدق (معاون اول) اعلام کرد: «اگر کانون وکلا نظارت قوه قضا را می‌پذیرفت، هیچ وقت این واکنش‌ها ایجاد نمی‌شد» خبرنگاری میزان، ۳ شهریور ۱۴۰۲. او در ادامه می‌گوید: «واگذارشدن اموری مانند تمدید و پروانه وکالت به وزارت اقتصاد، مشکل‌ساز می‌شود.»

۲- چیدمان این گزاره‌ها کنار هم پرده از یک الگوی واحد برمی‌دارد. مخرج مشترک موضع هر سه قوه یکی است. نهادهای صنفی و مدنی باید حرف حاکمیت را گوش دهند. به باید‌ها و نباید‌های حکمرانی توجه کند و جوگیر نشوند که چون مستقل هستند، جزیره خودمختارند. مجلس می‌گوید دنبال تسهیل کسب‌وکار و شکستن انحصار است. خب این شعار عالی است و باید کسب‌وکار در کشور رونق بگیرد و کیست که مخالف باشد؟! قوه قضائیه می‌گوید عازم به مبارزه با فساد است و بر امر وکالت هم باید نظارت کند. خب نظارت باعث ارتقای امنیت قضائی و صیانت از حقوق مردم می‌شود و از این شعار چه بهتر؟! قوه مجریه هم می‌گوید رفع تبعیض و اجتناب از رانت و جولان تعارض منافع یا جمع‌کردن بساط امضاهای طلایی ممکن است و همه باید در سامانه کسب‌وکار پروانه‌های صنفی را بارگذاری کنند و زیر نظر هیئت مقررات‌زدایی عمل کنند. این ایده هم در جای خود جلوه‌ای از دولت حداقلی با کمترین مداخله و بیشترین کارآمدی را نداعی می‌کند که در اقتصادهای لیبرال و نئولیبرال مدافعان سینه‌چاکی دارد و فراتر از آن به تغییر سبک حکمرانی برای کاهش تصدی‌گری و افزایش اثربخشی دلالت دارد و در دنیا مبانی نظری و حکایت‌های عملی نسبت به آن مطرح است.

ادامه در صفحه ۵